معرفی کتاب

ایده‌ای شکست‌خورده اما جذاب

● **آرش فرحزاد:** آشپزی آماتور کیکی پخته که همه میهمانان با خوردن آن ناخوش و مریض‌احوال شدند. چند هفته بعد این آشپز از روی همان دستور پخت قبلی و فقط با یکی، دو تغییر کیکی دیگر پخت و متأسفانه نتیجه یکسان بود و هر کسی که کیک را خورد مریض شد. این اتفاق چندبار دیگر تکرار شد و آشپز آماتور ما هربار با استفاده از همان مواد اصلی و تغییراتی جزئی نتیجه‌ای یکسان عاید میهمانانش می‌کرد و همه روانه بیمارستان می‌شدند. در نهایت این ماجرا ادامه نیافت و آشپز فهمید که ایراد اصلی در دستور پخت کیک است و دیگر نباید از این دستور پیروی کرد.اما درباره سوسیالیست‌ها این اتفاق همچنان در حال تکرارشدن است. طی یکصد سال گذشته تلاش‌های زیادی برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی انجام شد: اتحاد شوروی، یوگسلاوی، آلبانی، لهستان، ویتنام، بلغارستان، رومانی، چکسلواکی، کره شمالی، مجارستان، چین، آلمان شرقی، کوبا، تانزانیا، بنین، لائوس، الجزایر، یمن جنوبی، سومالی، کنگو، اتیوپی، کامبوج، موزامبیک، آنگولا، نیکاراگوا و ونزوئلا شاخص‌ترین این نمونه‌ها هستند. تلاش‌ها برای ایجاد جامعه سوسیالیستی در این کشورها با درجات مختلفی همه با شکست مواجه شدند. اما چگونه ممکن است ایده‌ای که بارها شکست خورده، هنوز محبوب باشد؟کریستین نیمیتز، اقتصاددانی که در مؤسسه روابط اقتصادی لندن فعالیت می‌کند، در کتاب خواندنی و مهم «سوسیالیسم، ایده شکست‌خورده ای که هرگز نمی‌میرد» به این سؤال اساسی پاسخ داده است: «دلیل آن مشخص است، زیرا سوسیالیست‌ها همیشه موفق شده‌اند خود را از این نمونه‌های شکست‌خورده دور کنند». سوسیالیست‌ها به محض روبه‌روشدن با سیاهه ناکامی‌هایشان، پاسخ می‌دهند که این نمونه‌ها هیچ‌چیز را ثابت نمی‌کند. هیچ‌کدام از این موارد نمونه واقعی از یک مدل سوسیالیستی نیستند». اما در روزهای اوج آزمایش‌های سوسیالیستی نخبگان چپ‌گرا حرف دیگری می‌زدند.آخرین نمونه شکست سوسیالیسم را در ونزوئلا شاهد بودیم. تا چندسال قبل سیاست‌مداران و چهره‌های چپ‌گرا، ونزوئلا را «مدلی برای سوسیالیسم قرن‌بیست‌ویکمی» می‌نامیدند. در مارس ۲۰۰۳، جرمی

سوسیالیسم؛ ایده شکست خورده‌ای که هرگز نمی‌میرد
کریستین نیمیتز
مترجمان : محمد ماشین‌چیان، حسین ماشین‌چیان
نشر: علم

کوربین، سیاست‌مدار چپ‌گرا و رهبر سابق حزب کارگر بریتانیا، در مراسم یادبود هوگو چاوز در لندن گفت: «چاوز به ما نشان داد که راهی متفاوت‌تر و بهتر برای انجام کارها هم هست که سوسیالیسم نام دارد. با مرگ او ما بازنمی‌ایستیم و به سوی آن جهان صلح‌آمیزتر و امیدوارکننده‌تر پیش خواهیم رفت».۱۲ سال بعد در ژوئن ۲۰۱۵ و زمانی که شکست تجربه سوسیالیسم در ونزوئلا در حال نمایان‌شدن بود، کوربین باز هم به حمایت از حکومت ونزوئلا پرداخت و دستاوردهای سوسیالیسم در حوزه‌های مختلف را ستود و ادعا کرد که انقلاب بولیواری باعث ایجاد شور و اشتیاق در تمام قاره آمریکا شده است. اما کوربین در سال‌های اخیر و با فاجعه‌ای که در ونزوئلا رقم خورد، از اساس منکر سوسیالیستی‌بودن سیستم حکومت این کشور شد.پیش از این هم خودکامگانی مانند ژوزف استالین و مائو زدونگ که پرونده‌هایی قطور در کشتار جمعی انسان‌ها دارند مورد تحسین و تمجید بسیاری از روشنفکران زمانه خود قرار گرفته بودند. نیمیتز در این کتاب به نمونه‌های متعدد تاریخی مشابه موضع‌گیری‌های جرمی کوربین در قبال دیگر حکومت‌های سوسیالیستی پرداخته است. نیمیتز در این کتاب و در جریان تحلیل دقیق تاریخی خود از رفتار سوسیالیست‌ها، نتیجه‌گیری می‌کند که تجربه سوسیالیستی سه مرحله دارد: مرحله اول به‌اصطلاح دوره «ماه عسل» است و روشنفکران در سراسر دنیا نسبت به سیستم سوسیالیستی شور و اشتیاق نشان می‌دهند و آن را بهترین سیستم ممکن می‌دانند. اما دوره ماه عسل بسیار کوتاه‌مدت است و خیلی زود جای خود را به دوره سرخوردگی می‌دهد که نیمیتز آن را «دوره عذر و بهانه» نام نهاده است.در این مرحله روشنفکران همچنان به دفاع از سیستم سوسیالیستی می‌پردازند و از دستاوردهای آن دفاع می‌کنند، اما دیگر از حمایت‌های بی‌قیدوشرط خبری نیست و باید کاستی‌ها و نواقص را بپذیرند. در این مرحله الگویی مشترک وجود دارد و در آن تمام ناکامی‌های سوسیالیسم به گردن سرمایه‌داری، توطئه قدرت‌های خارجی، تحریم‌ها و امپریالیسم آمریکا انداخته می‌شود.و در نهایت در مرحله سوم، با بروز فاجعه و شکست سیاست‌های سوسیالیستی، روشنفکران از اساس منکر سوسیالیستی‌بودن سیستم موردنظر می‌شوند. در این مرحله حامیان اولیه حکومتی سوسیالیستی در این عقیده متفق‌القول می‌شوند که «سیستم موردنظر اصلا نمونه‌ای از سوسیالیسم واقعی نبود که اگر بود به شکست منتهی نمی‌شد». چنین رفتاری را درباره اتحاد جماهیر شوروی، چین و ونزوئلا شاهد بودیم. تجربه سال‌های اخیر و شکست‌های متعدد سیستم‌های سوسیالیستی باعث نشده تا جذابیت این نگاه برای مردم کمتر شود.هگل در خطابه‌های خود درباره فلسفه تاریخ به نکته‌ای کلیدی اشاره می‌کند که وصف حال این حامیان سیستم سوسیالیستی است: «اما آنچه تجربه و تاریخ به ما می‌آموزد این است که مردم و حکومت‌ها هرگز از تاریخ درس نمی‌گیرند و هیچ‌گاه بر اساس اصولی که از تاریخ استنتاج می‌شود عمل نمی‌کنند».

ولادیمیر پوتین چگونه روسیه را برای همیشه تغییر داد

۲۰ سال تقابل تزار با لیبرالیسم

پوتین خلاف ایالات متحده، استراتژی مشخصی داشت و به خوبی از فرصت‌هایی که یک غرب چندتکه و غیرمتمرکز در اختیارش قرار داد استفاده کرد

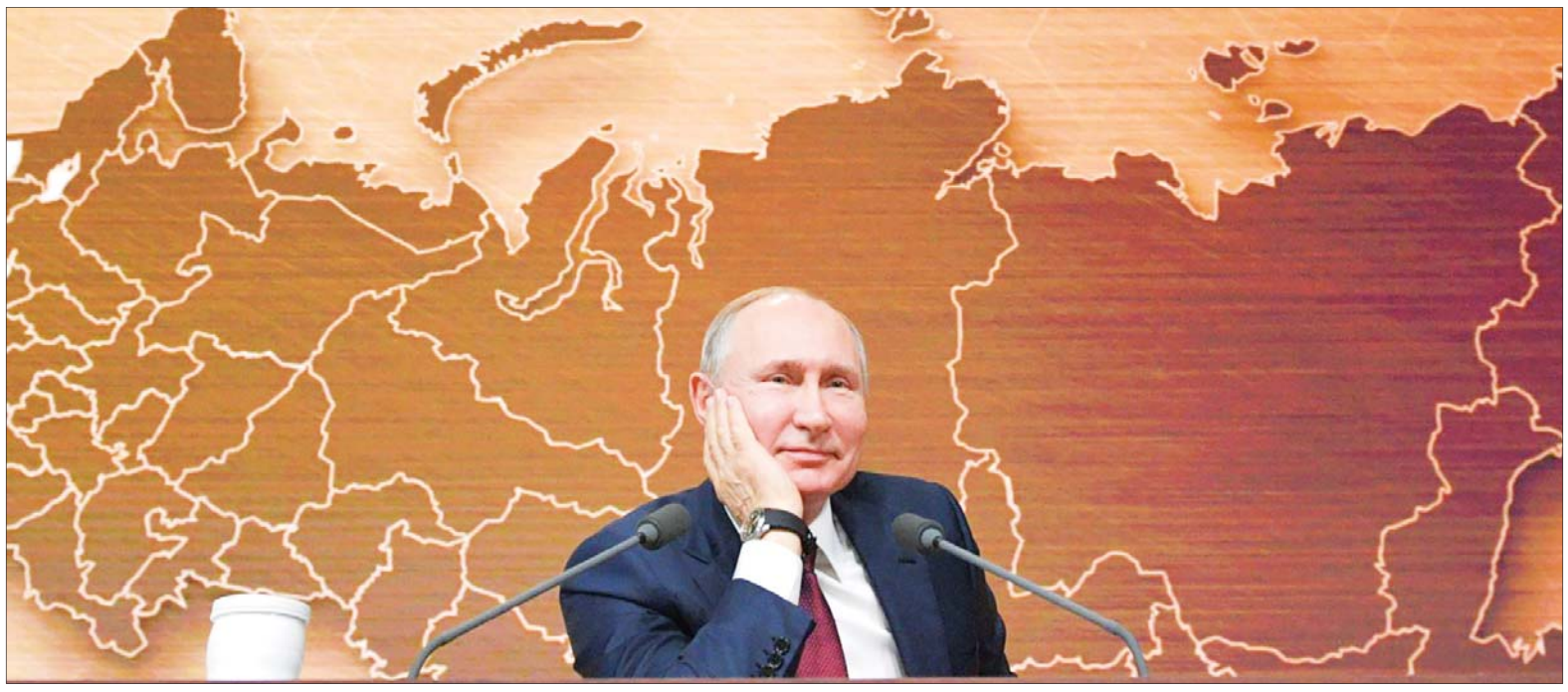

پنجشنبه گذشته به عبارتی هفتم ماه می ۲۰۰۰ ولادیمیر پوتین برای نخستین بار به عنوان رئیس‌جمهوری روسیه سوگند خورد. او سه بار دیگر پس از آن هم در جایگاه رئیس‌جمهوری سوگند یاد کرد. چهار ماه قبل از اولین سوگند پوتین، بوریس یلتسین به صورتی غیرمنتظره از ریاست‌جمهوری روسیه کناره‌گیری کرد و پوتین، نخست‌وزیر وقت و افسر سابق سرویس امنیتی روسیه، سرپرست ریاست‌جمهوری این کشور شد. در انتخابات اواخر ماه مارس، این جانشین موقت یلتسین توانست بیش از نیمی از آرا را به دست آورد تا با یک پیروزی نزدیک مانع از کشیده‌شدن سرنوشت انتخابات به دور دوم شود. صعود پوتین به رأس قدرت در روسیه مسیر این کشور را برای همیشه تغییر داد.

دو دهه از حضور در رأس قدرت در کرملین می‌گذرد و در این مدت او قدرت را در روسیه به طور کامل در دست خود قبضه کرده و نقش مسکو در تحولات بین‌المللی را هم پررنگ‌تر کرده است. در ابتدای قرن بیست‌ویکم، پیش‌بینی چنین تغییراتی در مسکو غیرقابل تصور بود. انتخاب پوتین به عنوان رئیس‌جمهور اولین تغییر قدرت به روش دموکراتیک در روسیه بود اما این پیروزی باعث شد تا روز به روز مسیر پوتین برای تسلط کامل بر روسیه هموارتر شود و اخیرا نیز با ایجاد تغییر در قانون اساسی، پوتین تا سال ۲۰۳۶ می‌تواند به عنوان یکی از قدرتمندترین رهبران جهان، یکی از طولانی‌ترین دوره‌های رهبری یک کشور را به نام خود ثبت کند. برای درک بهتر تغییرات روسیه تحت حکومت پوتین، جایگاه واقعی این کشور در جهان طی ۲۰ سال اخیر و چشم‌انداز آینده نشریه «فارن پالسی» نظر محققان، کارشناسان و روزنامه‌نگاران شاخص حوزه روسیه را جویا شده است.

دستاوردهای ناچیز در روسیه پوتین

سوزان گلیزر، سردبیر سابق فارن پالیسی و مدیر سابق دفتر واشنگتن‌پست در مسکو

۲۰ سال پیش، در جواب این سؤال که آیا پوتین یا هر شخص دیگری می‌تواند طولانی‌ترین دوره رهبری روسیه پس از ژوزف استالین را به نام خود ثبت کند، یا از حیرت تعجب می‌کردم یا با صدای بلند می‌خندیدم. ۲۰ سال پیش که پوتین رئیس‌جمهور روسیه شد و دهه پنجم زندگی خود را سپری می‌کرد و بسیاری از شهروندان روس که آن زمان نظرشان را جویا شدم، او را فردی جوان، سخنور و کاملا باهوش می‌دیدند. پوتین جانشین یلتسین کهن‌سالی شده بود که در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری اکثرا بیمار بود و وقت خود را با نوشیدن الکل می‌گذراند و در چنین شرایطی، سرمایه‌داری موفق شده بود تا کاملا در روسیه نفوذ کند. پوتین از ضرورت انجام اصلاحات اقتصادی از جمله اصلاحات مالیاتی صحبت می‌کرد و به تمجید از اروپا می‌پرداخت و به اقتصاد رو به رشد روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اشاره می‌کرد که توانسته بود پرتغال را پشت سر بگذارد.

بسیاری از حامیان پوتین در داخل و تحسین‌کنندگان او در غرب اما درک درستی از مواضع رئیس‌جمهور جدید روسیه نداشتند و تصور می‌کردند که تغییرات در روسیه در جهت ایجاد یک کشور عادی، مدرن و میانه خواهد بود. آنها که چنین نگاهی داشتند برای تحقق رؤیایشان باید واقعیت‌های زیادی را نادیده می‌گرفتند: پوتین همان زمان جنگ وحشیانه چچن را راه انداخت و این جنگ باعث شد تا نام او بیش از گذشته مطرح شود. علاوه بر این، پوتین انتخاب حلقه نزدیکان یلتسین بود تا با صعود او به رده اول قدرت، یلتسین و نزدیکانش هم مورد عفو قرار گیرند. نکته مهم دیگر هم این بود که پوتین سابقه‌ای کاملا امنیتی داشت و در دوره اتحاد شوروی در KGB خدمت می‌کرد و طبیعی بود که ایده تشکیل حکومتی کاملا امنیتی را در سر بپروراند.

دو دهه از آن روزها گذشته و روسیه گرفتار رهبر سالخورده‌ای دیگر است و باز هم باید با سنت همیشگی استبدادی در این کشور مبارزه کند که مانعی بزرگ بر سر راه توسعه سیاسی ایجاد کرده است. اقتصاد روسیه هم کاملا وابسته به استخراج منابع طبیعی است و فساد در آن بیداد می‌کند. پس پوتین روسیه را احیا نکرد بلکه یک گولاگ جدید تحت رهبری او ایجاد شد. نظمی که پوتین در روسیه ایجاد کرد، در واقع بازگشت به گذشته بود اما اکنون او چالش‌های متعددی پیش‌رو دارد. کاهش شدید قیمت نفت، واکنش ضعیف به شیوع ویروس کرونا، تلاش برای توسعه بیشتر قدرت سیاسی خود که باعث شد رفراندوم تغییر قانون اساسی با هدف حفظ قدرت تا سال ۲۰۳۶ در دستور کار قرار گیرد اما در نهایت این رفراندوم را به تعویق انداخت. پوتین می‌خواست در سال ۲۰۲۰، بیستمین سالگرد پوتینیسم را در روسیه جشن بگیرد اما این جشن فعلا به تعویق افتاده است.

احیای اهمیت جایگاه رئیس

مایکل مک‌فال، استاد علوم سیاسی و همکار ارشد مؤسسه تحقیقاتی هوور

واقع‌گرایان در سیاست، استدلال می‌کنند که دولت‌ها و تعادل قدرت میان آنها، نقشی کلیدی در هدایت روابط بین‌الملل دارد و در این میان رهبران چندان مهم نیستند. روسیه به عنوان کشوری آسیب‌پذیر از زیر آوار ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی خارج شد و به همین دلیل ناچار بود آنچه قدرت برتر (ایالات متحده) دیکته می‌کند را انجام دهد. اما امروز روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ احیا شده و با دیگر قدرت‌ها رقابت می‌کند. این رویارویی‌ها با یا بدون پوتین بالاخره صورت می‌گرفت. «اگر یلتسین، بوریس نمتسف را برای جانشینی خود برمی‌گزید احتمالا دموکراسی در روسیه به محاق نمی‌رفت و همکاری و تعامل روسیه و غرب ادامه می‌یافت».

این نظریه صحیح است. تمام تفسیرها و توضیحات درباره رفتار یک دولت باید با ارزیابی قدرت واقعی آن انجام شود اما واقعیتی را نباید از نظر دور داشت: تعادل قدرت همه ماجرا نیست. رهبران و ایده‌های آنها بر رفتار دولت تأثیر می‌گذارد و تردیدی نیست که پوتین و پوتینیسم بر روسیه و جایگاه این کشور در جهان اثرگذار بوده‌اند. پوتین از سوی یلتسین برگزیده شد و پس از آن در سال ۲۰۰۰ از سوی مردم مورد تأیید قرار گرفت. او رهبری تصادفی بود که دیدگاه‌هایش درباره حاکمیت و سیاست خارجی چندان شناخته‌شده نبود. با این حال، او از همان ابتدای کار مخالفت خود را با نظارت بر قدرت اجرائی اعلام کرد. امروز پوتین دموکراسی شکننده پوتین در دهه ۹۰ را با استبداد جایگزین کرده است. پوتین در این دو دهه بارها به صراحت به انتقاد از لیبرالیسم و چندجانبه‌گرایی پرداخته و در عوض از عقاید متعصبانه، سنتی و ملی‌گرایانه حمایت کرده است. در واقع درگیری میان پوتینیسم و لیبرالیسم نه تنها بین دولت‌ها بلکه در درون دولت‌ها شکل گرفته است.

هیچ کدام از این تحولات اجتناب‌ناپذیر نبود. طی ۳۰ سال گذشته میخاییل گورباچف، بوریس یلتسین و حتی دیمیتری مدودف با درجاتی متفاوت، ایده‌های لیبرال داشتند و خواستار همکاری با غرب بودند. بنابراین اگر یلتسین، نمتسف را به عنوان جانشین برگزیده بود احتمالا دموکراسی در روسیه زنده می‌ماند و همکاری روسیه و غرب ادامه می‌یافت چراکه این رهبران هستند که تفاوت‌ها را رقم می‌زنند. بر همین اساس قرار نیست روسیه و غرب همیشه در تقابل و رویارویی باشند، یک رهبر جدید در مسکو ممکن است مسیر روسیه را تغییر دهد، همان‌گونه که قبلا این اتفاق رخ داده بود.

وابستگی عمیق روسیه به پوتین

اولگا اولیکر، مدیر برنامه اروپا و آسیای مرکزی در گروه بین‌المللی بحران

به نظر می‌رسد نگاه مردم روسیه به پوتین بسیار شبیه نگاه جهان به ایالات متحده است. به عبارت دیگر، آنها از کاری که پوتین در گذشته دور برای آنها انجام داده سپاسگزار هستند اما هرچه بیشتر از گذشته دور به سال‌های اخیر می‌رسیم، اقدامات پوتین باعث شده که اضطراب و نگرانی جایگزین سپاسگزاری شود. مردم روسیه نگران آینده هستند اما جایگزینی برای آینده خود ندارند.

پوتین در دوره‌ای برای روسیه احیای اقتصاد به ارمغان آورده و در زمانی دیگر این کشور را وارد رکود اقتصادی کرده است. او توانسته روسیه را دوباره در سطح جهان مطرح کند. اما اگر بپذیریم که متدها و ابزارها طی چند قرن و حتی چند دهه اخیر تغییرات گسترده‌ای کرده، باید اعتراف کنیم اهدافی که پوتین در سیاست خارجی روسیه دنبال می‌کند تفاوتی با اهداف سیاست خارجی اتحاد شوروی و امپراتوری روسیه نکرده است. علاوه بر این، روسیه طی دو دهه اخیر فراز و نشیب‌های اقتصادی زیادی را پشت سر گذاشته است و چرخه آزادسازی‌ها و محدودیت‌ها در داخل روسیه هم تحولات گسترده‌ای را شاهد بود. اما از نگاه من، تغییر واقعی که پوتین در روسیه ایجاد کرده، ایجاد سیستمی است که به شیوه‌ای غیرقابل‌تصور شخصا به او وابسته است. چنین سیستمی کار پوتین برای حفظ قدرت و اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات را بسیار ساده کرده و چنین سیستمی تا زمانی کار خواهد کرد که پوتین در قدرت باقی بماند.

۲۰ سال از دست رفته

ولادیمیر کارا مورزا، سیاست‌مدار مخالف پوتین

ولادیمیر پوتین در ۲۰ سال توانست روسیه را از یک دموکراسی ناقص به حکومت مستبد تمام‌عیار در داخل و از یک متحدی قابل احترام به شریکی منفور در روابط بین‌الملل تبدیل کند. روسیه در سال ۲۰۰۰ از یک انتخابات رقابتی برخوردار بود، مطبوعات آزاد داشت، پارلمان این کشور صحنه حضور احزاب متعدد بود و چشم‌انداز روشنی پیش‌روی جامعه مدنی این کشور قرار داشت.

در عرصه بین‌المللی هم این کشور عضو گروه ۸، انجمن معتبر دموکراسی‌های صنعتی بود و به تازگی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تصویب کرده بود و شهروندان این کشور تحت پوشش قوی‌ترین مکانیسم نظارت اروپایی قرار داشتند. البته مشکلات و اشتباهاتی هم در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی وجود داشت اما روسیه در مسیر درستی قرار گرفته بود.

دو دهه حاکمیت پوتین بر روسیه باعث شده تا تمام رسانه‌های عمده این کشور تحت کنترل دولت باشند، انتخابات دیگر مفهوم واقعی خود را از دست داده و نتایج آن از قبل و به سود حکومت قابل پیش‌بینی شده و جایگاه پارلمان عملا به سخنگویی حکومت تقلیل یافته است. در چنین سیستمی، جایی برای بحث وجود ندارد و حتی اعتراض‌های مسالمت‌آمیز هم با خشونت پلیس و نیروهای امنیتی روبه‌رو می‌شود و مخالفان سیاسی پوتین یا زندانی می‌شوند یا سرنوشتی وخیم‌تر در انتظار آنان است.

در خارج از مرزهای روسیه هم این کشور از گروه ۸ اخراج شد، با تحریم‌های شدید اقتصادی روبه‌رو شد و برای نخستین بار طی دهه‌های اخیر، مرزهای بین‌المللی این کشور (شبه‌جزیره کریمه) مورد تأیید جامعه جهانی قرار ندارد. زمان زیادی نیاز است تا این آسیبی که به روسیه وارد شده جبران و این کشور از حکومتی دموکراتیک برخوردار شود که به حقوق مردم خود احترام می‌گذارد و در سطح بین‌الملل هم رفتاری مسئولانه داشته باشد.

محدودیت‌های یک قدرت جهانی

آنگلا اشتنت، مدیر مرکز مطالعات اوراسیا در دانشگاه جورج تاون

حکومت روسیه در زمان پوتین به حکومتی متمرکز و استبدادی تبدیل شده و بازیگری مهم در عرصه بین‌الملل است که برای احیای نفوذ خود به رقابت با ایالات متحده می‌پردازد. مسکو برای ایجاد نظم جهانی مورد نظر خود و رقابت با آمریکا، خود را با چین همسو کرده است. در سال ۲۰۰۰ روسیه کشوری کثرت‌گرا بود اما چالش‌های زیادی در حوزه اقتصادی داشت و از جاه‌طلبی‌های دوره اتحاد شوروی عقب‌نشینی کرده بود. پوتین مصمم بود تا جایگاه گذشته روسیه به عنوان قدرتی جهانی را با الگوی مورد نظر خود احیا کند. او تا حدی موفق به انجام این کار شد و دلیل موفقیت پوتین هم این بود که او خلاف ایالات متحده، استراتژی مشخصی داشت و به خوبی از فرصت‌هایی که یک غرب چندتکه و غیرمتمرکز در اختیارش قرار داد استفاده کرد.

در حالی که روابط روسیه با غرب از سال ۲۰۱۴ و در پی الحاق شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه و بر افروختن آتش جنگ در شرق اوکراین متشنج شده بود اما بخش بزرگی از جهان روسیه را به عنوان حکومتی مستبد می‌دید که هنوز هم می‌شود در حوزه‌های مختلف با آن شراکت داشت. با وجود این، توانایی روسیه برای ادامه توسعه‌طلبی‌ها و ماجراجویی‌هایش ممکن است با شیوع ویروس کرونا با مانعی جدی روبه‌رو شود. قیمت بالای نفت از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ و احیای اقتصادی روسیه پس از بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، از جمله عوامل مهمی بود که پوتین را قادر کرد قدرت خود در مسکو را تحکیم کند و در خارج از مرزهای روسیه هم نفوذش را افزایش دهد. فروپاشی قیمت نفت در ماه‌های اخیر و کاهش شدید رشد اقتصاد جهانی ناشی از شیوع ویروس کرونا بدون تردید توانایی روسیه برای اجرای پروژه‌های بلندپروازانه‌اش را به‌شدت محدود می‌کند.

خبر

با رأی پارلمان بن‌بست ۵ ماهه در عراق پایان یافت

مأموریت دشوار مصطفی الکاظمی

● پارلمان عراق با دادن رأی اعتماد به مصطفی الکاظمی و بخشی از کابینه‌اش به پنج ماه خلأ در پست نخست‌وزیری پایان داد. نخست‌وزیر عراق در سخنرانی‌اش گفت به صدای معترضان و خواسته‌هایشان گوش خواهد داد و نخواهد گذاشت از خاک عراق برای حمله به کشوری دیگر استفاده شود اما رئیس پیشین سازمان اطلاعات ملی عراق که سابقه روزنامه‌نگاری را نیز در کارنامه خود دارد، در حالی کارش را آغاز خواهد کرد که همه اعضای کابینه‌اش نتوانستند از پارلمان عراق رأی اعتماد بگیرند.عراق از سال گذشته شاهد تظاهرات مردم در بغداد و شهرهای شیعه‌نشین جنوب در اعتراض به فساد دولتی، بی‌کاری و وضعیت بد خدمات عمومی بوده است. این اعتراضات باعث شد عادل عبدالمهدی از سمت نخست‌وزیری عراق کناره‌گیری کند. عبدالمهدی پس از استعفا تاکنون به عنوان کفیل نخست‌وزیر فعالیت می‌کرد و اختلافات سیاسی در عراق باعث شده بود جناح‌های سیاسی نتوانند بر سر پست نخست‌وزیری به توافق برسند.با این حال، ۱۵ وزیر کابینه مصطفی الکاظمی از پارلمان عراق رأی اعتماد گرفتند. طبق این گزارش تصمیم‌گیری درخصوص وزرای نفت و امور خارجه به دلیل وجود اختلافات به تعویق افتاده است. وزرای پیشنهادی مصطفی الکاظمی برای وزارتخانه‌های کشور، دفاع، دارایی و برق از جمله وزرایی بودند که توانستند از نمایندگان حاضر پارلمان رأی اعتماد بگیرند. کاظمی پس از رأی اعتماد پارلمان در توییتی نوشت، راه ما امنیت، ثبات و شکوفایی عراق است.روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی درباره چالش‌های پیش‌روی نخست‌وزیر عراق می‌نویسد که کاظمی ۵۳ساله از روابط مستحکم با آمریکایی‌ها و وجهه پراگماتیک برخوردار است و از نظر ایران نیز فردی مقبول است. الکاظمی اولین نخست‌وزیر واقعی عراق از زمان استعفای عادل عبدالمهدی محسوب می‌شود. الکاظمی عملا به آنچه وعده کرد یعنی درپیش‌گرفتن رویکردی جدید برای تنش‌های اجتماعی عمل کرد و با تظاهرکنندگان دور یک میز نشست و به جای حمایت از تلاش‌های دولت قبلی برای متفرق‌کردن آنها به زور و نادیده‌گرفتن‌شان وارد رایزنی شد. این در حالی است که کاهش بهای نفت تقریبا میزان درآمد عراق را تا نصف کاهش می‌دهد و این امر این احتمال را تقویت می‌کند که کاظمی حقوق کارمندان دولت را کاهش دهد یا تعداد آنها را در هفته‌های آتی به طور گسترده کاهش داده و دست به تعدیل نیرو بزند؛ در هر دو صورت عواقب وخیمی در انتظار او خواهد بود. طبق این گزارش، کاظمی با اینکه با سلسله مشکلاتی روبه‌روست، حضورش در صحنه سیاسی به درجه‌ای از انعطاف‌پذیری در نظام سیاسی این کشور اشاره دارد که در مسیر بن‌بست قرار گرفته است. این واقعیت نشان از آن دارد که نقش گسترده احزاب سیاسی شیعه در حال رنگ‌باختن است. این روزنامه به نقل از رحمان الجبوری، همکلاسی الکاظمی در دانشگاه آمریکایی در سلیمانیه آورده است: او فردی لیبرال و سکولار است اما به لحاظ واقعی الکاظمی اگر بخواهد مستقیما با شبه‌نظامیان تقابل داشته باشد یا با احزاب شیعه مخالفتی کند با مقاومت قوی روبه‌رو خواهد شد.یکی از سیاست‌مداران نزدیک به نخست‌وزیری جدید عراق درباره او به به فرانس‌پرس گفت: کاظمی با هیچ کس سر دشمنی ندارد. او عمل‌گراست و مناسبات خوبی با همه بازیگران اصلی در عراق دارد: روابط حسنه با آمریکایی‌ها دارد و روابطش به تازگی هم با ایرانی‌ها خوب شده است.

دعوت بن‌سلمان از کاظمی

در همین حال، دفتر مصطفی الکاظمی در بیانیه‌ای اعلام کرد که محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان در تماس تلفنی با کاظمی، به او کسب رأی اعتماد از پارلمان را تبریک گفت. در این بیانیه آمده است که ولیعهد عربستان همچنین تبریک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه سعودی و نیز تمایل او برای تقویت روابط میان دو کشور همسایه برادر را به کاظمی انتقال داده و از او برای سفر به عربستان دعوت کرده است. از سوی دیگر، گزارش‌ها حاکی است که مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا نیز در گفت‌وگویی تلفنی با کاظمی ضمن استقبال از تشکیل دولت جدید در بغداد، در مورد لزوم اصلاحات، مقابله با فساد و مسئله همه‌گیری کووید-۱۹ با مصطفی الکاظمی رایزنی کرده است.

نوبت اول

«آگهی فراخوان مناقصه عمومی»

شرکت شهرکهای صنعتی استان مرکزی

شرکت شهرکهای صنعتی استان مرکزی در نظر دارد مناقصه عمومی به شماره (۲۰۹۹۰۰۱۰۷۲۰۰۰۰۱) و (۲۰۹۹۰۰۱۰۷۲۰۰۰۰۲) و (۲۰۹۹۰۰۱۰۷۲۰۰۰۰۳) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

ردیف	موضوع	نوع برگزاری	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	رتبه	مدت (ماه)
۱	اجرای شبکه روشنایی معابر شهرک صنعتی خمین	یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی	۹/۵۵۰/۰۶۱/۶۵۲	۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰	نیرو	۴
۲	زیرسازی، آسفالت و جدول گذاری در شهرک صنعتی خمین و ناحیه صنعتی خرمدشت	دومرحله‌ای	۳۰/۱۶۶/۱۹۰/۷۴۴	۱/۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰	راه و ترابری	۸
۳	اصلاح و بازسازی ساختمان اداری شهرک صنعتی نوبران	یک مرحله‌ای	۴/۹۸۹/۳۸۶/۳۳۷	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	ابنیه	۶

● **نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا اوراق مشارکت و یا واریز نقدی به حساب جاری منابع داخلی به شماره حساب ۴۰۰۱۱۰۳۵۰۶۳۷۵۹۷۴ نزد بانک مرکزی. ● **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه:** روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۱ می باشد. ● **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** تا ساعت ۱۴:۳۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۷. ● **مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** تا ساعت ۱۴:۳۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۰۶ ● **زمان بازگشایی پاکت ها:** ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۰۷ اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف:

آدرس: بلوار فاطمیه جنب استانداری مرکزی تلفن: ۰۸۶۳۳۴۴۳۲۰۹ کارشناس ذیربط تلفن ۰۸۶۳۳۴۴۳۳۱۱ امور قراردادها

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱۴۱۹۳۴

دفتر ثبت نام: ۰۲۱ ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۰۲۱۸۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت شهرکهای صنعتی استان مرکزی